

## تبیین تاریخی توانمندسازی فرهنگی اجتماعی جامعه امامیه

### در سیره امام عسکری علیه السلام

زهرا سلیمانی\*

اصغر منتظرالقائم\*\*

مصطفی پیرمادیان\*\*\*

### چکیده

توانمندسازی، فرایند قدرت بخشیدن به افراد است که در منظومه بلوغ تمدنی جایگاه ویژه‌ای دارد. اقدامات امام عسکری علیه السلام در تحقق این فرایند در ساختار فردی، سازمانی و سبک رهبری منجر به استحکام هویت شیعی، قدرت اندیشه، ایجاد احساس خودکارآمدی و مهارت افزایی شیعیان در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها گردید. براین اساس، اقدامات، توجهات، تأکیدات و شیوه مبارزاتی آن حضرت، نقش مهمی را در استمرار و تقویت جامعه امامیه برای ورود به عصر غیبت فراهم نمود. هدف این مقاله آن است تا با تحلیل نظری داده‌های تاریخی، پیش‌نیازها و فرایند توانمندسازی در حوزه دانش مدیریت منابع انسانی، تدابیر امام عسکری علیه السلام در توانمندسازی شیعیان را به بحث گذارد. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی با تکیه بر منابع اصلی تاریخی و حدیثی به این سؤال پاسخ می‌دهد که امام عسکری علیه السلام چگونه جامعه امامیه را در شرایط بحرانی سیاسی و اجتماعی توانمند ساخت تا از افتادن به پرتگاه سقوط مصون بماند؟

### واژگان کلیدی

امام عسکری علیه السلام، راهبرد، امامیه، جریان‌های فکری، توانمندسازی.

\*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، و مدرس دروس معارف اسلامی. zahrasoleimany@yahoo.com

\*\* استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و مدرس دروس معارف اسلامی. (نویسنده مسئول) montazer@ltr.ui.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و مدرس دروس معارف اسلامی. mostafapirmoradian@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۳

### طرح مسئله

مهم‌ترین و حیاتی‌ترین دارایی هر نهاد، نیروی انسانی آن است و لازمه دستیابی به هدف‌های نهاد مدیریت مؤثر این منابع با ارزش است. جامعه امامیه مهم‌ترین محوری بود که فکر و اهتمام امام عسکری علیه السلام را به خود مشغول می‌داشت. آن حضرت در طول زمان انتقال از عصر حضور به عصر غیبت و در بحبوحه سرعت تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، درصدد توانمندسازی جامعه امامیه بود. توانمندسازی، تکنیکی مؤثر جهت ارتقای بهره‌وری تشکیلات به‌وسیله بهره‌گیری از توان افراد است. این تکنیک ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای بهره‌برداری از سرچشمه توانایی انسانی که از آن استفاده کامل نمی‌شود، در اختیار می‌گذارد.<sup>۱</sup> در زمانه امام عسکری علیه السلام شدت تنگناها و فشارها به حدی بود که امکان ارتباط مستقیم با شیعیان بندرت برای آن حضرت فراهم بود.<sup>۲</sup> توانمندسازی به‌ویژه در چنین محیطی که اعضای نهاد از تعاملات چهره‌به‌چهره محروم می‌باشند و مجبورند که به‌طور مستقل عمل نمایند، بسیار مهم است. توانمندسازی، افراد را قادر می‌سازد تا در مواجهه با مشکلات و تهدیدها، از مقاومت و انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشند. لذا می‌تواند به‌عنوان منبعی که از آسیب‌پذیری نیروی انسانی جلوگیری نماید و بذر امید را در شرایط بحرانی از جمله سرمایه‌های اجتماعی و مالی و از بین رفتن زندگی انسانی، در دل آنان بکارد، مفید واقع گردد. طی قرن‌های دوم و سوم، مسئله حیات جامعه امامیه پیچیدگی‌هایی یافته بود که ارائه راه‌حلی برای آن از سوی امامانی چون امام عسکری علیه السلام برای دوام این مکتب ضروری بود. اصلی‌ترین هدف آن حضرت در جامعه‌ای متلون و متکثر از جریان‌های فکری و فرهنگی - جریان‌هایی که گاه در قالب حکومت و گاه در لباس اهل علم و صاحبان اندیشه به مقابله با امامیه برخاسته بودند - تجهیز و آماده‌سازی منابع انسانی به‌عنوان محور نهاد برای مواجهه با تغییرات، از اهمیت ویژه برخوردار است و کلیه نهادها با هر نوع مأموریتی باید بیشترین سرمایه، وقت و برنامه را به پرورش انسان‌ها در ابعاد مختلف اختصاص دهند؛<sup>۳</sup> زیرا فقدان نیروی انسانی کارآمد، اگرچه ارکان دیگر به درستی طراحی و سازماندهی شده باشند، عدم کارایی و سستی سایر اجزا را به‌دنبال خواهد داشت. واضح است که عصر امام عسکری علیه السلام مستلزم اعتماد بر وکیلان و اهتمام بر توانمندسازی نیروی انسانی است تا تشکیلات استحکام یافته، مسئولیت‌ها بیشتر شده و دایره فعالیت و حضور افراد در جامعه گسترش یابد؛ گسترشی که زمینه‌ساز انتقال پیروان اهل‌بیت به دوران غیبت گردد.

۱. عبداللهی و نوباوه، *توانمندسازی کارکنان کلید طلایی مدیریت منابع انسانی*، ص ۵۶.

۲. قطب‌الدین راوندی، *الخراج و الجرائح*، ج ۱، ص ۴۳۹ و ۴۳۷.

۳. جعفرزاده، «الگوی انتقالی در ارزیابی اثر بخش آموزش کارکنان»، *ماهنامه مدیریت تدبیر*، ش ۸۶، ص ۴۴.

فرضیه مقاله آن است که امام عسکری علیه السلام برای بلوغ فکری و نجات شیعیان از تلاطم فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه و ترسیم خط امت، راهبرد توانمندسازی جامعه امامیه را مورد توجه قرار داد که پیامد آن ارائه الگویی در راستای توانمندسازی جامعه شیعه در عصر غیبت و تداوم جریان تمدن ساز شیعی بود. مؤلفه‌های به کار گرفته شده از سوی آن حضرت متغیر مستقل و مقوله توانمندسازی متغیر وابسته است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی می‌باشد. تأکید بر مبحث توانمندسازی از آن روست که این نظریه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مهمی در باروری فرهنگی و تمدن سازی دارد. نظریه توانمندسازی زمینه ساز ساخت تمدن خواهد شد و تمدن سازی در جامعه دینی به معنای ابتدای تمدن بر پایه دین و پذیرش مرجعیت دین در هدایتگری تمدن بشری همراه با عقلانیت و اسباب و لوازم آن است.

### پیشینه تحقیق

مقالاتی درباره حیات امام عسکری علیه السلام نوشته شده که به طور مشخص مسائل مربوط به جامعه امامیه دوران آن حضرت در آن قابل رهگیری است. جی. الیاش<sup>۱</sup> نویسنده مقاله *امام حسن بن علی العسکری* در معرفی امام عسکری علیه السلام، به بررسی نام و القاب، تاریخ تولد، کنترل حضرت در سامرا، بیماری، وفات و اختلاف شیعه بر سر مسئله امامت پس از ایشان اشاره کرده است. هر چند تعصبات ضد شیعی در نگاشته وی محسوس نیست؛ اما این مدخل اطلاعات اندک و ناقصی درباره شخصیت فردی و اجتماعی امام عسکری علیه السلام ارائه کرده است. چنان که تبیین دوره حساس امامت آن حضرت، چگونگی رهبری جامعه امامیه، آموزه‌ها و نقش امام در واکنش به جریان‌ها و تحولات اجتماعی و فکری - فرهنگی، مغفول مانده است. مقاله *سیره امام حسن عسکری علیه السلام در مبارزه با فرقه‌سازی‌ها و تفرقه‌ها* از خلیل منصوری فاقد استناددهی مناسب و فقط در چهار صفحه تنظیم شده است. دونالدسن<sup>۲</sup> نویسنده مدخل نه صفحه‌ای درباره امام عسکری علیه السلام، به شرح مختصری از آن حضرت و اختلاف نظرها درباره تاریخ ولادت امام اشاره کرده است. وی ضمن اشاره به برخی از القاب آن حضرت، علم آن حضرت به قرآن، شریعت و زبان‌های مختلف را اکتسابی قلمداد می‌کند. از دیگر موارد مورد توجه نویسنده در این مدخل، ماجرای ازدواج امام عسکری با نرجس خاتون، کنیز رومی می‌باشد که ضمن نقل ماجرا، آن را تخیلی و برای افزایش شرافت امام دوازدهم تلقی کرده است. وی با استناد به منابع شیعی، به مسمومیت آن حضرت توسط معتمد عباسی نیز اشاره کرده است؛ ولی اشاره‌ای به تعاملات آن حضرت با جامعه امامیه ننموده است. مقاله *مواضع و اقدامات سیاسی امام عسکری علیه السلام در برابر خلافت عباسی* از احمدرضا بهنیا فر، علی‌رغم

1. J.Eliash.

2. M.Donaldson.

اینکه در زمینه اقدامات آن حضرت در مواجهه با خلفا نوشته‌ای درخور توجه می‌باشد، اما فاقد توجه به موضوع نوشتار حاضر است. **راهبردهای امنیتی امام حسن عسکری** علیه السلام از اصغر افتخاری و علی اکبری؛ نویسندگان در این اثر تلاش خوبی به منظور استفاده از مصادر و پوشش محتوای مقاله به این طریق نموده است؛ با این وجود همان‌گونه که از عنوان پیداست، فاقد توجه کامل به موضوعی است که نوشتار حاضر در پی تبیین آن است.

مقالات ذکر شده و نمونه‌های متعدد مشابه آن، به‌عنوان پیشینه‌ای در موضوع توانمندسازی، ضمن اینکه فاقد رویکرد در تلفیق میان مباحث تاریخی و مدیریتی در مبحث توانمندسازی هستند؛ به این مسئله بی‌توجهند که ایجاد مهارت توانمندسازی جامعه امامیه به‌عنوان یکی از اهداف مدیریتی امام عسکری علیه السلام بوده است. درواقع موضوع نوشتار حاضر فاقد سابقه پژوهشی در میان مقالات نوشته شده است؛ زیرا تاکنون پژوهشی نگاشته نشده که توانمندسازی را به‌عنوان یکی از اهداف فرهنگی اجتماعی امام عسکری علیه السلام در نظر گیرد و در پیوند میان مباحث مدیریتی و گزاره‌های تاریخی به منظور تبیین این امر تلاش کند.

### ادبیات تحقیق

**توانمندسازی:**<sup>۱</sup> به‌رغم اینکه در ادبیات مدیریت، واژه توانمندسازی بسیار وسیع به‌کار رفته است، ولی معنای شفاف‌تری از آن در دست نبوده و محققان، تعریف مشترکی از آن ارائه نکرده‌اند.<sup>۲</sup> از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، توانمندسازی به معنی قدرت بخشیدن است؛ به این معنی که به افراد کمک کنیم تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند و نیز بر احساس ناتوانی و درماندگی خود چیره شوند و در افراد شوق کار و فعالیت ایجاد کنیم.<sup>۳</sup> تواناسازی دادن قدرت به افراد نیست بلکه آزاد کردن قدرت در افراد است.<sup>۴</sup>

### فرایند توانمندسازی

توانمندسازی نیروی انسانی، یک فرایند است که در آن آرمان‌ها، اهداف، مرزهای تصمیم‌گیری و نتایج تأثیرات و تلاش‌های آنان در کل سازمان به اشتراک گذاشته می‌شود. توانمندسازی یک فرایند شدن است و باید به‌عنوان بخشی از فرهنگ سازمانی به‌شمار آید. فرایند توانمندسازی مستلزم سه پیشین‌آزمایی

1. Empowerment.

2. Gerbich, *Qualitative data analysis: An Introduction*, P. 115.

۳. دیوید ای. تن و کیم. اس، کمرون، **تواناسازی و تفویض اختیار**، ص ۱۵.

۴. جعفری قوشچی، **راه‌های تواناسازی کارکنان**، ص ۳۷۰.

اصلی ویژگی‌های حرفه‌ای، محیط کاری و سبک رهبری می‌باشد. این پیش‌نیازها، بستر لازم برای موفقیت برنامه‌های توانمندسازی را فراهم می‌آورند.

### **الف) ویژگی‌های حرفه‌ای: این ویژگی‌ها به شرح زیر است:**

۱. **آموزش:** آموزش بدین جهت ضروریست که افراد را قادر می‌سازد به نوعی دانش دست یافته تا به‌عنوان عضوی از یک تیم در تغییر سیستم، فعالانه ایفای نقش نمایند. این نوع آموزش شامل فنون رهبری، مهارت‌های حل مشکل، ارتباطات و آماده‌سازی نیروی انسانی برای ایفای نقش‌های تیمی می‌باشد.

۲. **ارشاد:** اشاره به راهنمایی‌هایی دارد که افراد باتجربه به افراد کم‌تجربه انتقال می‌دهند تا موجبات آرامش و رشد آنان را فراهم نمایند و سودمندترین رفتارهای افراد باتجربه، رفتارهایی هستند که توان بالقوه افراد را شناسایی، به الگوسازی نقش‌ها و ارتقاء مسئولیت‌پذیری و فرصت‌ها کمک و بر اطمینان آنان بیفزاید.

۳. **شبکه‌سازی:** شبکه‌ها تجلی ارتباطات درون سازمانی تلقی می‌گردند نه سلسله مراتب درون سازمانی. شبکه‌های واقعی شبکه‌هایی‌اند که در محیط واقعی سازمان و نه در نمودار سازمانی شکل می‌گیرند. بنابراین شبکه‌ها پیامد ناخواسته اما مفید سازمان‌های رسمی‌اند. آنها می‌توانند باعث تبادل سریع اطلاعات و بازخورد در بین افراد شده و بر عزت نفس آنها بیفزاید.<sup>۱</sup>

**ب) ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر کاری:** ساختار فرهنگی اجتماعی بر توانمندسازی افراد مؤثر است. در یک ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر، برقراری اجماع، سبک‌های دموکراتیک، ارتباطات باز سازمانی و رسمیت کم در نهاد، مورد ترغیب و تشویق قرار می‌گیرد و بر روی مسائلی چون تیم‌سازی و جریان آزاد و تبادل اطلاعات تأکید می‌شود.<sup>۲</sup>

**ج) سبک رهبری:** سبک رهبری کارآمد جزء لاینفک ایجاد محیط پرورش نیروی انسانی کارکنان توانمند است. مدیران مستبد به دلیل نگرش سستی قدرت، هرگز قادر به توانمندسازی زیردستان نخواهند بود. می‌توان گفت فردی که مسئول بهبود عملکرد و مهارت‌های فردی اعضای گروه است، فراهم کننده محیطی برای بهبود عملکرد تیمی (گروهی) است که یک مهارت اساسی به‌منظور ایجاد توانمندی محسوب می‌گردد.<sup>۳</sup>

فرایند توانمندسازی نیز در سه مرحله مطرح است:

۱. محمدی، *توانمندسازی کارکنان: رویکردها و فرایندها*، ص ۱۷۸ - ۱۷۶.
۲. فرهنگی و اسکندری، *معرفی توانمندسازی در مدیریت و الگوهای آن*، ص ۱۲۰.
۳. اسکات و ژافه، *توانا سازی کارکنان*، ص ۱۰۱.

۱. ارائه اطلاعات: قرارگرفتن اطلاعات لازم در اختیار نیروی انسانی منجر به اعتماد به نفس و آگاهی آنان از وضعیت فعلی سازمان شده و موجب تحکیم فرهنگ اعتماد و همدلی می‌شود.

۲. استقلال: باید در چارچوب مشخص باشد تا از اتلاف انرژی بیهوده جلوگیری کند.<sup>۱</sup>

۳. تأکید بر ساختار سلسله مراتب سازمانی؛ برای ایجاد مسئولیت در نیروی انسانی و جلوگیری از دسترسی جاسوسان به ساختار سازمان و نابودی آن.

### امام عسکری علیه السلام و توانمندسازی جامعه امامیه

دوران امامت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰ - ۲۵۴ ق) از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ عصر امامت از جنبه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود. بروز بحران‌های فکری عقیدتی و وقوع شورش‌های مختلف علیه خلافت عباسی مانند شورش علی بن محمد مشهور به صاحب الزنج (م ۲۷۰ ق)،<sup>۲</sup> تسلط ترکان بر امور سیاسی و نظامی خلافت و عدم اقتدار سیاسی خلفا، فساد اداری و اجتماعی، خرید و فروش مقامات، عدم توجه به وضعیت رفاه مردم، ستمگری و زورگویی در گردآوری خراج، سرکوب اعتراض‌ها، آزار و شکنجه مخالفان دستگاه خلافت،<sup>۳</sup> شیوع شبهات در جامعه و ایجاد انحراف عقیدتی در میان امت توسط صاحبان اندیش،<sup>۴</sup> واگرایی و تجزیه سرزمین‌های تحت سلطه خلافت به وسیله امارت‌های استکفا و استیلا،<sup>۵</sup> حمایت خلافت در ترویج و تثبیت مذاهب فقهی اهل سنت،<sup>۶</sup> فعالیت برخی گروه‌های شیعی غالی در جهت تمایلات منفعت‌طلبانه،<sup>۷</sup> جریان نهضت ترجمه و ورود آثار یونانی،<sup>۸</sup> حضور و فعالیت جریان‌های دینی غیراسلامی مانند مزدکیان و مانویان و مسیحیان در جهان اسلام<sup>۹</sup> از ویژگی‌هایی این دوره تاریخی بود. سخت‌گیری بر امام و شیعیان آن حضرت، پراکندن شایعات واهی و بهانه قرار دادن آن در برخورد با جریان شیعه و ایجاد مانع در روابط آن حضرت با شیعیان، نمونه‌هایی از تلاش خلافت در تضعیف و نابودی جریان امامیه است.<sup>۱۰</sup> این شرایط، وجود ملاحظات شدید امنیتی و تکثر جریان‌های فکری و

۱. نادری و دیگران، مفاهیم و راهبردهای توانمندسازی کارکنان، ش ۱۸۶، ص ۱۳ - ۱۲.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۱ و ۱۱۹؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۸ - ۵۰۵.

۳. همان، ص ۵۱۰ - ۵۰۵؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۴۳۸، ۴۳۹ و ۴۶۰ - ۴۵۶.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۲۴.

۵. ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۱۲۶ و ۲۳۸؛ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۲۸.

۶. گرجی، تاریخ فقه و فقها، ص ۹۷.

۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۲۸؛ کشی، رجال کشی، ص ۵۷۳ و ۵۷۴.

۸. ابن ندیم، الفهرست، ص ۴۴۴ و ۵۴۱؛ الفاخوری، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ص ۳۷۸.

۹. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۲۹.

۱۰. اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۳۲ - ۲۵۲.

فرهنگی اقتضا می‌کرد امام عسکری علیه السلام برای حفظ و انتظام جامعه امامیه و برای رسیدن به آرمان‌های مطلوب خویش اقدامات لازم را ساماندهی نماید. براساس مدل فوق، پیش‌نیازها و فرایندها توانمندسازی جامعه امامیه در سیره امام عسکری علیه السلام به شرح زیر است:

#### الف) پیش‌نیازهای توانمندسازی جامعه امامیه

۱. آموزش و ارشاد (اقتداربخشی به شیعیان با تقویت منابع قدرت نرم اندیشه‌ای)

آموزش، افراد را قادر می‌سازد به نوعی دانش و شناخت کلی دست یافته تا به‌عنوان عضوی از یک تیم، فعالانه نقشی نمایند. آموزش، آماده‌سازی نیروی انسانی برای ایفای نقش‌های تیمی است. از مسائل بنیادی مکتب تشیع تئوری امامت الهی است. ائمه علیهم السلام در تقویت این بُعد تفکر شیعه، ناگزیر به تبیین امامت الهی در برابر مدعیان دروغین غالی، گروه‌های منحرف و حاکمان بودند؛ چراکه آموزش و تبیین صحیح این مسئله به تبیین جایگاه و موقعیت اجتماعی امامت الهی منجر شده و اقتدار جامعه امامیه را در پی داشت. امام عسکری علیه السلام برخلاف دوران سخت مراقبت و حبس، در خصوص حجت، امامت و ولایت تأکید داشت و در نامه‌ها خطاب به شیعیان آن را بازگو می‌نمود. آن حضرت در تبیین امامت الهی در تویحی به شیعیانش نوشت: «امامت امری است پیوسته که تا امور الهی جریان دارد پابرجاست»؛ «... ما را در کتاب خدا حقی است و با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خویشاوندی است و خدا ما را پاک شمرده و هیچ‌کس غیر از ما نمی‌تواند ادعای چنین مقامی را کند مگر اینکه دروغگو باشد». ایشان با نگارش نامه به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (م قرن ۳)،<sup>۲</sup> درصدد اثبات این امر برای شیعیان امامیه برآمد. آن حضرت با این مقدمه که هر کس از این دنیا کور بیرون رود، در آخرت هم کور و گمراه‌تر است، مقصود خود را از این نابینایی، کوری دل‌هایی دانست که درون سینه‌هاست و با استناد به آیات ۱۲۵ و ۱۲۶ سوره طه، نابینایی حقیقی را به فراموشی سپردن نشانه‌های خدا عنوان کرد و نشانه بزرگ خداوند بر آفریدگانش را حجت خدا معرفی نمود.<sup>۳</sup> حضرت با هدف توانمندسازی این بُعد فکری امامیه، با ارشاد و آموزش در این نامه، ائمه علیهم السلام را هم‌سنگ و اجابت‌دین<sup>۴</sup> و تنها راه شناخت واجبات معرفی کرد که مردم بدون وجود ایشان همچون چهارپایان سرگردانند و در اثبات سخن خود به آیاتی از قرآن استناد نمود. از دیگر اقدامات امام در این حوزه، تربیت دانشمندان و استعدادهای علمی بود که در تفهیم مقام امامت نقش مهمی داشتند.

۱. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۹۱.

۲. از اصحاب مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام، (طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۳۹۷)

۳. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۸۵ - ۸۸۳.

۴. همان، ص ۸۸۵.

از جمله می‌توان به عبدالله بن جعفر حمیری (م حدود ۳۰۰ تا ۳۰۵ ق) مؤلف کتاب *الإمامة*<sup>۱</sup> و فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) صاحب آثاری چون *الاربع مسائل فی الإمامة، الإمامة کبیر، فضل امیر المؤمنین* علیه السلام، *الخصال فی الإمامة*<sup>۲</sup> اشاره نمود. اهتمام حضرت به این مقوله از آن روست که تقویت این بعد تفکر شیعی و دسترسی نیروی انسانی به آموزش‌های مورد نیاز باعث احساس تعلق، بهبود عملکرد و احساس مسئولیت آنان شده و توانمندی آنان را در پی دارد.

از دیگر امور مهم بر عهده امام عسکری علیه السلام در آموزش و تقویت تفکر شیعه، تبیین مسئله غیبت و آماده‌سازی جامعه امامیه برای پذیرفتن اندیشه مهدویت بود؛ مطلع ساختن افراد از اهدافی که باید به دست آید و اهمیتی که این اهداف برای کل سازمان دارند، منجر به الگوی عملیاتی آن حضرت برای دوران غیبت بود که برنامه‌ریزی برای عادت دادن شیعیان در زمان غیبت پیشوای خود و ارتباط داشتن با آنان از طریق وکلا و نمایان را شامل می‌شد. امام با شناخت ویژگی‌های زمانه و بهره‌مندی از دانش و منش کافی در این زمینه به مدیریت فرهنگی پرداخت. مدیریت حضرت در سه محور مهم پی‌ریزی شد: بسترسازی برای میلاد حضرت حجت علیه السلام، حفظ و حراست از آن وجود مبارک و آماده‌سازی افکار شیعیان برای غیبت طولانی. امام عسکری علیه السلام با آگاه‌سازی شیعیان از ویژگی‌های عصر غیبت، سعی در ایجاد آمادگی روحی و فکری آنان برای ورود به این دوران داشت. آن حضرت منکران امامت فرزند خود را هم‌سنگ منکران نبوت رسول الله صلی الله علیه و آله برشمرد و تأکید کرد که اطاعت آخر ما مانند اطاعت اول ما لازم است.<sup>۳</sup> آموزش در مورد ماهیت غیبت و ارشاد در مواجهه با این رویداد موجبات آرامش و رشد جامعه امامیه را فراهم کرده و ضمن ارتقاء مسئولیت‌پذیری، بر اطمینان آنان نسبت به آینده مکتب می‌افزود.

## ۲. شبکه‌سازی

واژه توانمندسازی هم می‌تواند برای توصیف جنبه‌های فردی و هم برای جنبه‌های سازمانی مفید واقع شود.<sup>۴</sup> توانمندسازی سازمانی به توانمندسازی ساختاری سازمان اشاره داشته و از طریق شیوه‌ها، سیاست‌ها، رویه‌ها، نظام‌ها و فرهنگ در سازمان جاری می‌شود تا اینکه افراد و گروه‌های کاری را برای انجام موفقیت‌آمیز و اجرای نقش‌های خود، قادر سازد. توانمندسازی سازمانی دارای سه بعد توانمندسازی درون‌سازمانی، توانمندسازی بین‌سازمانی و توانمندسازی فراسازمانی است. توانمندسازی درون‌سازمانی

۱. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۲۱۹.

۲. همان، ص ۳۰۷.

۳. ابن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۴۰۹.

4. Honald, *A review of literature of employee empowerment*, P 202.



اشاره به ویژگی‌های دارد که ساختار و وظایف داخلی سازمان را نشان می‌دهند.<sup>۱</sup> در مقاله حاضر توانمندسازی درون‌سازمانی جامعه امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سازمان وکالت تجلی ارتباطات درون‌سازمانی تلقی می‌گردد که در زمانه امام عسکری علیه السلام مانند ائمه پیشین در ظاهر در امر احکام فقهی و پرداخت خمس فعالیت داشتند اما در واقع بسیاری از فعالیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی و رسانه جامعه امامیه را انجام می‌دادند. گستره این سازمان تقریباً تمام قلمرو خلافت اسلامی را در بر می‌گرفت؛<sup>۲</sup> در عصر آن حضرت تشیع در مناطق متعددی از افریقیه تا شرق خراسان گسترش یافته بود.<sup>۳</sup> امام عسکری علیه السلام در شهرها و مناطق اصلی آن عصر مانند کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آوه، مدائن، خراسان، یمن، ری، آذربایجان، سامرا، جرجان، بصره و مصر دارای وکیل جزء بود؛ آن حضرت وکلای ارشد را برای نواحی گوناگون منصوب کرد تا بر فعالیت سایر وکلا نظارت داشته باشند. از وکلای ارشد امام می‌توان به عثمان بن سعید (م قبل از ۲۶۷ ق)، احمد بن اسحاق قمی اشعری (م ۲۶۳ - ۲۶۰ ق) و ابراهیم بن مهزیار (م ۲۶۵ ق) اشاره نمود.<sup>۴</sup> وکلا وظایف خود را زیر نظر وکیل الوکلاء یا باب امام و یا سفیر خاص انجام می‌دادند. وکیل الوکلاء از سوی امام منصوب می‌شد و ریاست نهاد وکالت را تحت نظر امام بر عهده داشت.<sup>۵</sup> شبکه سری سازمان وکالت با تبادل سریع اطلاعات در جامعه امامیه، هدایت و رهبری شیعیان و اداره امور آنان در محدوده مأموریت وکیل، تعلیم آموزه‌های دینی و فرهنگ اهل‌بیت، تصحیح اعتقادات شیعیان و جلوگیری از انحراف آنان، پاسخ‌گویی به اشکالات شیعیان و تعمیق نقش امام در جامعه امامیه، تبیین حقانیت امام جدید و مسئله غیبت برای شیعیان، رسیدگی به امور اوقاف ائمه و شیعیان، جمع‌آوری خمس، صدقات، نذورات و هدایای شیعیان و ارسال برای وکیل الوکلاء و کمک به شیعیان محروم و فقیر در منطقه مأموریت وکیل، موجبات توانمندی جامعه امامیه را فراهم می‌نمود.

باتوجه به حساسیت دوران امام عسکری علیه السلام و نزدیکی عصر غیبت، آن حضرت در تشکیلات، وظایف و مسئولیت‌های این سازمان تجدیدنظر نمود و به آماده‌سازی برخی وکلا برای دوره غیبت همت گماشت. آن حضرت به‌عنوان رهبری شبکه وکالت و با اشراف اطلاعاتی، درصدد صیانت‌بخشی و امنیت فکری شیعه برآمد. مسلماً وکالت در زمان منتهی به غیبت امام عصر علیه السلام، اهمیت بیشتری می‌یابد و باعث می‌شود با غیبت امام، این شبهه ایجاد نشود که مذهب در حال از هم پاشیدگی است.

1. Peterson and Zimmerman, *Beyond the individual: Toward a nomological network of organizational empowerment*.

۲. جباری، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام*، فصل دوم، ج ۱، ص ۷۰ - ۶۱.

۳. طبسی، *حیاه الامام العسکری*، ص ۲۲۳.

۴. کشی، *رجال الکشی*، ص ۵۸۱ - ۵۸۰؛ طبسی، *حیاه الامام العسکری*، ص ۲۳۲ - ۲۲۳.

۵. جباری، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام*، فصل دوم، ج ۱، ص ۷۰ - ۶۱.

### ۳. تأکید بر ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر

امام عسکری علیه السلام تحقق جامعه توانمند را نیازمند وجود یک ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر می‌دانست؛ لذا به‌عنوان رأس این ساختار حمایتگر برای رفع نیاز پیروان خود همت می‌گماشت؛ چنان‌که حمایت مالی از جامعه امامیه، به‌ویژه یاران خاص و نزدیک، در برنامه آن حضرت مشهود است. آن حضرت گاه قبل از آنکه شیعیان مشکل خود را ابراز کنند، مشکل آنان را برطرف می‌نمود. ابوهاشم جعفری (م ۲۶۱ ق)<sup>۱</sup> در گزارشی از درخواست کمک مالی و حمایت پانصددیناری آن حضرت می‌گوید و در نهایت به این کلام امام اشاره می‌کند که فرمود: این را بگیر و اگر کم است عذر ما را بپذیر؛<sup>۲</sup> و در جایی دیگر به این فرمایش امام اشاره می‌کند که فرمود هر وقت احتیاج داشتی خجالت نکش، پروا مکن و از ما بخواه.<sup>۳</sup> این اقدام امام مانع از آن می‌شد که یاران به سبب تنگنای مالی جذب حکومت شوند. بدین‌سان حمایت‌های آن حضرت، شیعیان را در گرایش مذهبی سیاسی خود تثبیت می‌نمود و مانع جذب و مراجعه آنان به حاکمان و زمامداران عباسی می‌گردید. ضمن اینکه این عمل امام، دندان طمع حاکمان را در جذب یاران و شیعیان، از اساس بر می‌کند. بنا بر گزارشی دیگر، امام عسکری علیه السلام به گروهی از سادات اهل مدینه که اعتقاد به ائمه دوازده‌گانه داشتند مستمری دایمی پرداخت می‌کرد.<sup>۴</sup> همچنین آن حضرت دستور داد صدقه و زکات شیعیان تنها در میان شیعیان توزیع گردد.<sup>۵</sup>

از آنجا که در یک ساختار اجتماعی و فرهنگی پویا، اطلاعات کافی و منابع لازم جهت انجام موفقیت آمیز کارها باید فراهم گردد،<sup>۶</sup> امام عسکری علیه السلام درصدد حمایت و توجیه سیاسی، نظارت فکری و عقیدتی خواص شیعه و افزایش آگاهی آنان در برابر فشارها بود تا از عهده مسئولیت و وظایف دینی خود برآیند.<sup>۷</sup> حمایت فکری و عقیدتی شیعیان، آنان را در مواجهه با شبهات بیمه می‌کرد. یکی از اصحاب حضرت به نام محمدبن ربیع سویدسائی<sup>۸</sup> از دیدار با شخصی معتقد به ثنویت و مناظره با او خبر داد. وی اذعان می‌کند که بعد از مناظره بخش‌هایی از سخنان او در دلم جای گرفته بود؛ اما در مواجهه‌ای با امام عسکری علیه السلام، آن حضرت بر وحدانیت خدا تأکید نمود و به وی فهماند که ثنویت امری باطل است و

۱. ثقه و دارای منزلت نزد ائمه علیهم السلام. (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۵۶)

۲. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۸؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۷.

۳. همان، ص ۳۳۰؛ همان، ص ۵۰۸.

۴. همان، ص ۵۱۸.

۵. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم، فرهنگ جامعه سخنان امام عسکری علیه السلام، ص ۲۴۹.

6. Kane, Management role in shaping organizational culture, P 1.

۷. حرانی، تحف العقول، ص ۸۸۷ - ۸۸۳.

۸. از اصحاب امام عسکری علیه السلام (طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۲).

باور به آن کفر است.<sup>۱</sup> این ماجرا قاطعیت امام را در تلاش برای جلوگیری از رسوخ این عقاید در میان یاران خود نشان می‌دهد. همچنین بیانگر محدودیت ایجاد شده توسط خلفای عباسی نسبت به آن حضرت است که البته امام به‌رغم همه ملاحظات امنیتی در حفظ عقاید شیعیان از طریق ارسال نامه و توقیع و سفیر تلاش می‌کرد. چنان‌که در نامه به اسحاق بن اسماعیل، با اعلام آگاهی اهل بیت نسبت به گرفتاری‌های شیعیان و با برشمردن آسیب‌های احتمالی شیعیان در مواردی چون ضعف، ناتوانی، غفلت و ناصبوری، حرکت بدون تفکر را رد کرد و ضمن تأکید بر ضرورت ایمان نسبت به کل قرآن، برخورد گزینشی با این کتاب را سبب رسوایی در دنیا و عذاب آخری دانست و بر لزوم اطاعت از خدا، پیامبر و اولوالامر تأکید نمود.<sup>۲</sup> در این مرحله آن حضرت از طریق حمایت مالی، عقیدتی و فکری که بیانگر ارتباطات باز سازمانی و رسمیت کم در سازمان است، حمایت از استمرار توانمندسازی را منجر شد.

#### ۴. سبک رهبری

رهبری هنر توانمندسازی دیگران است و مدیران توانمند به خوبی می‌دانند که توانمندی و موفقیت آنها در گرو توانمندی و موفقیت گروه کاری آنهاست. چنین مدیرانی به‌عنوان یک هادی، تسهیل‌کننده و مربی عمل می‌کنند<sup>۳</sup> و سعی می‌کنند نیروی انسانی را از وابستگی به سمت عدم وابستگی سوق دهند. از مهم‌ترین اقدامات امام عسکری علیه السلام در این راستا، ایجاد بصیرت، دلگرمی و بالا بردن روحیه در جامعه امامیه بود. با توجه به فشار حداکثری که بر روی بزرگان شیعه قرار داشت، امام با راهنمایی و دلگرمی سعی در افزایش ظرفیت روحی آنان داشت. هدف آن حضرت گوشزد کردن مشکلاتی بود که در راه مبارزه برای ایشان به وجود می‌آید؛ لذا آنان را به پایداری، صبر و استقامت دعوت می‌کرد. در شرایطی که خلافت عباسی عده‌ای را با تطمیع و ارعاب از ائمه دور می‌ساختند، برافروخته نگاه‌داشتن شراره‌های ایمان، آماده نگاه‌داشتن افراد برای جانفشانی در راه مکتب اسلام و تحمل کمبودها، رسالت مهم امام عسکری علیه السلام در توانمندسازی شیعیان بود. محمد بن حسن بن میمون<sup>۴</sup> با نگارش نامه‌ای، از فقر به آن حضرت شکایت کرد؛ امام عسکری علیه السلام در پاسخ مرقوم فرمود:

تهی‌دستی و با ما بودن بهتر از بی‌نیازی با دشمنان ماست. ما پناه آنهایی هستیم که به

۱. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۲۵؛ مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، ص ۱۱۶.

۲. حرانی، تحف العقول، ص ۸۸۳ - ۸۸۷.

۳. محمدی، توانمندسازی کارکنان: رویکردها و فرایندها، ص ۱۹۸.

۴. یا «محمد بن الحسن بن شمون»، از اصحاب امام عسکری علیه السلام (طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۲).

ما پناهنده شوند و روشنائی هستیم برای کسی که بخواهد راه حقیقت را به وسیله ما تشخیص دهد و نگهدار آن کسی هستیم که به ما پناه آورد.<sup>۱</sup>

از دیگر اقدامات آن حضرت در رشد دادن زبردستان و آماده‌سازی برای غیبت، ارائه تصویری از دولت حضرت مهدی علیه السلام و تشویق شیعیان در تلاش برای ظهور ایشان بود؛ چنان که طی نامه‌ای به ابوالحسن علی بن الحسین قمی (م ۳۲۹ق)<sup>۲</sup> توصیه نمود که تا ظهور قائم آل محمد علیهم السلام منتظر فرج باشد که دنیا را با حکومت خود درخشان خواهد ساخت و کلمه «الله» در روزگار دولت او به مرتبه عالی می‌رسد و عدالت اجتماعی در زمان حکومت او در همه جا سایه‌گستر خواهد شد.<sup>۳</sup> بدین‌سان امام با آینده‌نگری و با آگاه‌سازی شیعیان، ایشان را از غافلگیر شدن در برابر وضعیتی که تاکنون برایشان سابقه نداشت، رها می‌کرد و آمادگی لازم را در آنان به وجود می‌آورد. در این مرحله، نخبگان امامیه با کسب مهارت‌ها قادر بودند بدون نیاز به حضور مستقیم سرپرست در عصر غیبت، فعالیت کنند.

امام عسکری علیه السلام با هدف ایجاد مهارت حل مشکل در نخبگان امامیه، از تشویق نویسندگان غافل نبود. آن حضرت در مورد یونس آل یقظین (م ۲۰۸ ق)، نویسنده کتاب **یوم و لیله**، فرمود: خداوند در مقابل هر حرف این کتاب، نوری به او در قیامت عطا فرماید.<sup>۴</sup> همچنین نقل شده که برخی یاران، آثار خود را به امام عسکری علیه السلام عرضه می‌داشتند تا درباره آن نظر دهد که مورد تأیید آن حضرت قرار می‌گرفت.<sup>۵</sup> این تشویق‌ها منجر به ارتقای مسئولیت‌پذیری افراد گشته و در افزایش عزت نفس آنان مؤثر بود، چنان که در اثر این تشویق‌ها، شانزده تن از یاران امام دست به تألیف زدند و ۱۱۸ عنوان کتاب تحریر شد.<sup>۶</sup> بدین‌سان اگر رهبر، افراد را به‌عنوان نیروهای بالقوه‌ای ببیند که باید به ظهور و فعلیت برسند؛ استفاده از ترغیب و تشویق نقش مهم و مثبتی در این فرایند دارد.

از دیگر جنبه‌های سبک رهبری رشد آن است که مدیران نقش یک الگو را برای فردی که می‌خواهد او را به ثمر برساند بازی کند.<sup>۷</sup> امام عسکری علیه السلام به‌عنوان رهبری جامعه امامیه علاوه بر آموزش شاگردان و تشویق یاران به تألیف، کتب و نامه‌های فراوانی برای توسعه علم و هدایت جامعه شیعی نگاشت؛ مانند

۱. کشی، *رجال الکشی*، ص ۵۳۳.

۲. فقیه، ثقه در نقل روایت و پدر عالم بزرگ شیعی، شیخ صدوق. (نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۲۶۱).

۳. ابن بابویه، *محلل الشرائع*، ج ۱، ص ۴.

۴. آقابزرگ طهرانی، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۲۵، ص ۳۰۷.

۵. ابن طاووس، *فلاح السائل*، ص ۱۸۳.

۶. حسینی، *تدوین السنه*، ص ۱۸۵.

کتاب *رِسَالَةُ الْمُنَقَّبَةِ* که مشتمل بر احکام و مسائل حلال و حرام است.<sup>۱</sup> به جز اینها کتب دیگری نیز به حضرت منسوب است مانند *تفسیر القرآن*<sup>۲</sup> و *مکاتبات الرجال*.<sup>۳</sup> آن حضرت برای گسترش فرهنگ تشیع و سازندگی، نامه‌هایی به اهالی شهرها و برخی یاران خود نگاشت؛ مانند نامه به شیعیان قم و آوه؛<sup>۴</sup> نامه به علی بن حسین بن بابویه قمی<sup>۵</sup> و نامه به اسحاق بن اسماعیل.<sup>۶</sup> این نامه‌ها محتوای فقهی، کلامی، اخلاقی و سیاسی داشت و به منزله اعلامیه‌هایی بود که دست به‌دست می‌گشت و موجب بصیرت و خط مشی شیعیان در برابر جریان‌های مخالف می‌گردید. محتوای نامه‌های امام عسکری علیه السلام نشانه برنامه‌ریزی دقیق ایشان به‌عنوان رهبری الهی است. این نامه‌ها از امور جزئی تا مباحث کلامی پیچیده، تأکید بر ولایت اهل‌بیت علیهم السلام، مسئله غالیان، عزل و نصب و کلا و هشدار نسبت به منحرفان، آموزش تقیه، پاسخ به مسائل فقهی، انتظار فرج و... می‌باشد.<sup>۷</sup>

#### ب) فرایند توانمندسازی جامعه امامیه

##### ۱. ارائه اطلاعات (مهارت‌افزایی شیعیان در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها)

اطلاعات خون حیات توانمندسازی است.<sup>۸</sup> تسهیم اطلاعات به نیروی انسانی اجازه می‌دهد موقعیت‌های نهاد خود را بشناسند و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.<sup>۹</sup> از جمله چالش‌های رودرروی جامعه امامیه و از موضوعات مورد اختلاف ایشان با دیگر مسلمانان مباحث کلامی بود.<sup>۱۰</sup> از شبّهات کلامی زمانه امام عسکری علیه السلام مسئله توحید (تشبیه و تجسیم درباره خداوند) بود. آن حضرت در پاسخ به این نوع شبّهات که در بین شیعیان نیز نفوذ کرده بود، با تلمیح به شماری از آیات قرآنی از مؤمنان خواست تا از چهارچوب قرآن درباره خداوند فراتر نروند. حضرت با استناد به آیات سوم و چهارم سوره اخلاص و یازدهم سوره شوری، خداوند را خالق همه اجسام و غیر آن معرفی نمود.<sup>۱۱</sup> مسئله رؤیت خدا از دیگر شبّهات کلامی

۱. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابیطالب*، ج ۴، ص ۴۲۴.

۲. در مورد سندیت کتاب ر.ک: حسن بن علی، امام یازدهم، *مقدمه التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری*، ص ۳ - ۱.

۳. همان.

۴. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابیطالب*، ج ۴، ص ۴۲۵.

۵. ابن بابویه، *الامامه و التبصره*، ص ۲۰.

۶. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۸۳.

۷. ر.ک: احمدی میانجی، *مکاتبات الائمه*، ج ۶، ص ۸۸۹ - ۸۸۳؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابیطالب*، ج ۴، ص ۴۲۵.

۸. آقاییار، *توانمندسازی روشی نوین در محیط رقابتی*، ص ۵۶ - ۲۴.

۹. نادری و دیگران، *مفاهیم و راهبردهای توانمندسازی کارکنان*، ص ۲۴.

۱۰. حسینی، *تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری*، ص ۲۹۳ - ۲۹۱.

۱۱. ابن بابویه، *التوحید*، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

اختلاف انگیز بود. امامیه معتقد است که خدا را نه در دنیا و نه در آخرت نمی‌توان با چشم سر دید، چون خدا نامحدود بوده و جسم نیست. اما برخی جریان‌های فکری معتقد به امکان رؤیت خدا در دنیا و آخرت بودند و از سویی شبهات بسیار بر این اعتقاد را پاسخ گو نیستند.<sup>۱</sup> امام عسکری علیه السلام در باب مسئله رؤیت خدا، طبق مبانی تشیع و بنا بر استنادات قرآنی و عقل به نفی رؤیت خدا پرداخت و حضرت حق را بزرگتر از آن دانست که دیده شود.<sup>۲</sup> آن حضرت در پاسخ به اینکه آیا رسول الله صلی الله علیه و آله پروردگارش را دیده است، به القای نور عظمت خدا به قلب رسول الله صلی الله علیه و آله اشاره نمود.<sup>۳</sup> امام از این طریق به تصحیح عقاید شیعه و رفع شبهات ایشان در اثر تعامل و گفتگو با سایر جریان‌ها و عقاید اقدام می‌نمود و با ارائه اطلاعات سعی در مهارت‌افزایی شیعیان داشت. مسئله خلق قرآن نیز از مباحث پُرتنش کلامی این عصر بود که بسیاری از جریان‌های فکری اسلامی به آن مشغول شدند و بعضاً معتقد به عدم خلق قرآن بودند.<sup>۴</sup> امام عسکری علیه السلام با قاطعیت و صراحت در باب مسئله خلق قرآن خداوند را آفریننده و غیر از او را مخلوق اعلام نمود<sup>۵</sup> و به یاران خود توصیه کرد اگر درباره مسائل مطرح در جامعه که موجب سردرگمی و ایجاد شبهه می‌شود، نمی‌توانند مسیر درست را انتخاب کنند، توقف کنند تا با انتخاب اشتباه، موجب تباهی دین و دنیای خود نشوند.<sup>۶</sup> در این مرحله اطلاعات و منابع مورد نیاز برای انجام وظایف فراهم می‌گردد و اجازه می‌دهد تا آنان در صورت نیاز تغییرات رویه‌ای را انجام دهند. نیروی انسانی اگر اطلاعات کافی نداشته باشد قادر به تصمیم‌گیری صحیح نیستند و توانایی مواجهه با حوادث و چالش‌ها را نخواهند داشت. لذا آن حضرت با تقویت این ویژگی از طریق ارائه اطلاعات و ایجاد بصیرت، به مهارت‌افزایی جامعه امامیه عمق بخشید.

امام عسکری علیه السلام برای مهار خفقان سیاسی، روش تقیه را به‌عنوان اصلی راهبردی در پیش گرفت؛ و با بهره‌گیری از این روش و با درایت توانست امت اسلام به‌ویژه شیعیان را حفظ کند و بر قدرت و شمار آنان بیفزاید. از آنجا که امام بر پایه اصل تقیه، از اعلام صریح موضع خود ابا داشت، نمی‌توان تحلیل دقیقی از موضع‌گیری‌های ایشان ارائه نمود؛ اما مبنای آن حضرت چنین بود که از هر اقدامی که وحدت را به خطر می‌انداخت اجتناب کرده و بر همگرایی امت تأکید داشت. عدم تأیید و بهره‌برداری سیاسی از

۱. ابن حنبل، *متن اصول السنه*، ص ۴ و ۵؛ نجمی، *سیری در صحیحین*، ص ۱۶۸.

۲. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۹۵.

۳. ابن بابویه، *التوحید*، ص ۱۰۸.

۴. الخمیسی، *اعتقاد أهل السنه شرح أصحاب حدیث*، ج ۱، ص ۶۶.

۵. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابیطالب*، ج ۴، ص ۴۳۶.

۶. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۹۲ و ۸۹۳.

شورش‌ها<sup>۱</sup>، قیام‌ها<sup>۲</sup> و تهدیدات خارجی<sup>۳</sup> حتی اگر موجب تضعیف خلافت عباسی گردد، از آنجا که در پوشش مذهب، برخلاف مبانی اسلام، سطحی و زودگذر بود و رهاوردی جز تفرقه نداشت، مورد تأیید امام قرار نگرفت؛ در مورد مشکل خشکسالی و ضرورت پاسخ‌گویی به شبهه ایجاد شده توسط مسیحیان در حل این بحران، هر چند این درخواست از سوی خلیفه صورت گرفت<sup>۴</sup> ولی از آن جایی که منافع مسلمانان حفظ می‌شد، امام کوتاهی نرورزید. البته حضرت هیچ‌گاه با خلفا همکاری نداشت، بلکه در موقعیت‌هایی که به‌دست می‌آورد در برابر آنان موضع می‌گرفت و کج‌روی‌های آنان را محکوم می‌کرد. آن حضرت با معرفی ائمه علیهم السلام به‌عنوان کسانی که شایستگی جانشینی رسول‌الله صلی الله علیه و آله را دارند<sup>۵</sup>، مشروعیت حکومت عباسی را زیر سوال برد؛ اما وقتی صحبت از وحدت و امنیت امت، تهدید اسلام و مسلمانان در میان بود، موضع ایشان به‌صورت صیانت از امنیت و حفظ وحدت ظهور می‌یافت. امام عسکری علیه السلام همواره برای حفظ جان خود و شیعیان، خود را ملزم به رعایت اصل تقیه می‌دانست و در توصیه اکید یاران را به این مهم امر می‌کرد. تقیه در ابعاد مختلف فقهی، کلامی و اجتماعی نمود می‌یافت. با توجه به مدت کوتاه امامت امام عسکری علیه السلام و اختناق زمانه، از ۲۳۳ روایت ایشان تنها ۷۵ روایت فقهی به‌دست رسیده است.<sup>۶</sup> در میان روایات، به مواردی که دلالت بر تقیه فقهی آن حضرت نماید، برخورد نکردیم و شاید علت این باشد که با توجه به اختناق زمانه تنها کسانی از امام سوالات فقهی می‌کردند که از شیعیان شناخته شده و خاص بودند و تقیه از آنان در این هنگام وجهی نداشت.<sup>۷</sup> در بُعد تقیه کلامی، اقدامات حضرت عبارت بود از فرمان به سکوت، کتمان معرفی حجت خدا به‌صورت علنی، آموزش مسائل کلامی به یاران و حکم به مخفی نگه داشتن آن از مخالفان.<sup>۸</sup> چنان‌که وقتی عده‌ای از شیعیان برای دیدار آن حضرت در مسیر رفت و آمد هفتگی به دربار خلیفه منتظر بودند، نامه‌ای هشدارآمیز از ایشان دریافت کردند که

۱. شورش خوارج به رهبری مساور بن عبدالحمید شاری (م ۲۶۱ ق) در حوالی موصل (ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۱۷۴)؛ شورش صاحب الزنج (مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۴، ص ۱۰۸) و شورش استقلال طلبانه عیسی بن شیخ (م ۲۵۶ ق) در شام (ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۲۳۸).

۲. قیام‌های علویان مانند قیام علی بن زید بن حسین (م ۲۵۷ ق) در کوفه، قیام احمد بن محمد بن عبدالله (م ۲۵۵ ق) و ابراهیم بن محمد بن یحیی معروف به ابن‌صوفی در مصر (م ۲۵۹ ق) (همان، ص ۵۳، ۱۲۶، ۲۳۸ و ۲۶۳؛ اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۵۲۸ و ۵۳۶)

۳. جنگ‌های میان قوای اسلام و روم شرقی. (ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۲۰۵ و ۳۳۶)

۴. قطب الدین راوندی، *الخرائج و الجرائح*، ج ۱، ص ۴۴۱.

۵. کلینی، *الکافی*، ج ۷، ص ۸۵؛ حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۹۱.

۶. طیبی، *حیاه الامام العسکری*، ص ۱۹۵ - ۱۷۹.

۷. صفری، *نقش تقیه در استنباط*، ص ۱۲۹.

۸. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۸۳ - ۸۸۷.

هیچ کس بر من سلام یا اشاره نکند؛ در غیر این صورت جانتان به خطر می‌افتد.<sup>۱</sup> آن حضرت تأکید نمود: یا تقیه و پنهانکاری یا قتل؛ پس تقیه کنید و جان‌های خود را نگه دارید.<sup>۲</sup> از جمله تدابیر آن حضرت در حفظ شیعیان و توانمندسازی آنان با بهره‌گیری از اصل تقیه، گسترش و تداوم شبکه ارتباطی قوی با شیعیان در قالب سازمان وکالت بود. به‌طور کلی آن حضرت برای حفاظت وجود مبارک صاحب الزمان علیه السلام از گزند دشمنی عوامل خلافت، پرورش علما و اسلام شناسان، آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت به‌عنوان حادثه‌ای نامانوس و نهایتاً کمک‌های مالی به شیعیان مجبور به تقیه بود؛ زیرا مطلع شدن دستگاه عباسی از این امور، خطرات فراوانی را متوجه امام و شیعیان می‌کرد. امام با ارائه اطلاعات در ابعاد مختلف در تلاش بود تا با مهارت‌افزایی شیعیان در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها، جامعه امامیه را توانمند سازد.

## ۲. استقلال (تقویت احساس خودکارآمدی در شیعیان)

امام عسکری علیه السلام با مدیریت منابع انسانی از طریق شبکه وکالت درصدد بود به جامعه شیعی القاء کند که نیازهای علمی و فقهی خود را از طریق علما و فقها برطرف کنند. امام عسکری علیه السلام گاه پاسخ به سؤالات فقهی را به‌صورت کامل بیان نمی‌کرد و به بیان قاعده‌ای کلی اکتفا می‌نمود تا فقها بتوانند با کمک این قواعد به پاسخ برسند. آن حضرت با تشویق به تفکر و تدبر در آیات، سنت، اجماع و عقل، یاران را برای افتاء و رجوع مردم آماده می‌ساخت تا مقدمات اجتهاد فقیهان در عصر غیبت را فراهم کند.<sup>۳</sup> این کار سبب ارتقای منابع انسانی و تقویت احساس خودکارآمدی در شبکه وکالت می‌شد. ایشان درصدد بود شیعیان مسائل فقهی خویش را بدون حضور امام و با رجوع به فقها فراگیرند تا با آمادگی بیشتر وارد عصر غیبت شوند. اجتهاد، تقلید و ارجاع مردم به فقها، از جلوه‌های امامت است و امام در باورپذیری و توانمندی شیعه در آن تلاش بسیار نمود. برخی از شاگردان نیز در علم کلام توانمند و صاحب نظریه بودند و آثاری در ردّ عقاید فرق کلامی نگاشتند. نهضت ردّیه نویسی علیه مخالفان چنان شکوهمند بود که ردّیه‌های کلامی بسیاری در حوزه‌های مختلف نوشته شد. این متخصصان با نقل فتاوی، احکام، روایات و مفاهیم اسلامی از امام عسکری علیه السلام، مکتب اهل‌بیت علیهم السلام را با زبان و منطق به مردم می‌شناساندند. اینان همان راویان، وکلا و نمایندگان حضرت بودند. از جمله می‌توان به احمد بن اسحاق قمی اشعری،<sup>۴</sup> سعد بن عبدالله

۱. قطب الدین راوندی، *الخرائج و الجرائح*، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. همان، ص ۴۴۷.

۳. طوسی، *الغیبه*، ص ۳۵۵.

۴. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۹۱.



اشعری قمی (م حدود ۲۶۵ ق)،<sup>۱</sup> فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق)<sup>۲</sup> محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق)<sup>۳</sup> و عثمان بن سعید عمروی<sup>۴</sup> اشاره کرد. نگارش آثاری مانند کتاب *الرد علی المرجئه، الرد علی الخسویه، کتاب الرد علی الحسن البصری، کتاب النقض علی الاسکافی، کتاب الرد علی اهل التعطیل، الرد علی الثنویه، الرد علی الغالیه المحمدیه، الرد علی الفلاسفه، الرد علی المنانیه (مانوی)، الرد علی القرامطه، الرد علی البائسه، کتاب الرد علی الاصم،<sup>۵</sup> الايضاح؛<sup>۶</sup> کتاب الضیاء فی الرد علی المحمدیه و الجعفریه، کتاب الرد علی المجبره؛<sup>۷</sup> الرد علی الغلات؛<sup>۸</sup> کتاب الرد علی الغالیة و ابی الخطاب<sup>۹</sup> نشان دهنده اهتمام یاران امام عسکری علیه السلام به رد منطقی سایر جریان‌های فکری فرهنگی آن عصر است. امام عسکری علیه السلام به یاران خویش اعتماد به نفس می‌داد و برخی را به حدی مورد اعتماد و امین خواند که سخن ایشان را سخن خویش قلمداد کرد؛ چنان‌که در مورد عثمان بن سعید اولین نائب خاص حضرت مهدی علیه السلام شد، فرمود:*

این ابوعمر و مورد اعتماد ما و امین است، مورد اعتماد گذشتگان و مورد اعتماد ما در زمان حیات و ممات ماست، و هر چه او بگوید از جانب ما می‌گوید...<sup>۱۰</sup>

لذا یکی از راهبردهای امام برای خنثی کردن تبلیغات خلافت عباسی و فرق دیگر، راهبرد تربیت نخبگان فقهی و کلامی، مدیریت و تقویت آنها در بلاد مختلف بود. در نتیجه قدرت تجزیه و تحلیل نیروی انسانی جامعه امامیه رشد یافت و برای پرسش‌ها و مشکلات خود پاسخ و راه‌حل مناسب پیدا کرد.

نام نویسنده	نام کتاب
سعد بن عبدالله اشعری قمی	کتاب الضیاء فی الرد علی المحمدیه و الجعفریه، الرد علی الغلات، کتاب الرد علی المجبره. <sup>۱۱</sup>

۱. همان، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۲. همان، ص ۳۰۷.

۳. همان، ص ۳۵۴.

۴. طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۱.

۵. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۰۷.

۶. ابوغالب زراری، رساله ابی‌غالب زراری، ص ۲۹۷ و ۳۴۲.

۷. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۷۸ و ۱۷۷.

۸. همان، ص ۳۵۴.

۹. همان، ص ۲۰.

۱۰. طوسی، الغیبه، ص ۳۵۵.

۱۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۷۷.

نام نویسنده	نام کتاب
فضل بن شاذان نیشابوری	کتاب الرد علی اهل التعطیل، الرد علی الثنویه، الرد علی الغالیه المحمديه، کتاب الرد علی الاصم، الرد علی الفلاسفه، الرد علی المنانیه، الرد علی القرامطه، کتاب الرد علی المرجئه، الايضاح. <sup>۱</sup>
محمد بن حسن صفار	الرد علی الغلات. <sup>۲</sup>

### ۳. تأکید بر ساختار سلسله مراتب سازمانی

یکی از ویژگی‌های سازمان وکالت، وجود سلسله مراتب در آن بود تا از دسترسی جاسوسان عباسی به آن و نابودی سازمان جلوگیری شود. بدین‌سان، برخی شهرها و نواحی شیعه نشین دارای وکیل جزء بودند و این وکلا زیر نظر وکیل ایالات ماموریت خود را انجام می‌دادند و سپس وکلای ایالت که منصوب از طرف امام بودند، وظایف خود را زیر نظر وکیل الوکلاء یا باب امام و یا سفیر خاص انجام می‌دادند.

وکیل الوکلاء از سوی امام منصوب می‌شد و ریاست نهاد وکالت را تحت نظر امام بر عهده داشت. سازمان وکالت به‌عنوان یک گروه با ساختار سلسله مراتبی در دوره امام عسکری علیه السلام، از نظر شیوه اداره جامعه تشیع، نقش زمینه‌سازی ذهنی برای ورود به عصر غیبت و عدم حضور فیزیکی امام بود؛ زیرا شیوه رهبری جامعه تشیع توسط نواب عام امام عصر علیه السلام کم‌وبیش تداوم همان شیوه مدیریت جامعه شیعه به‌وسیله وکلا بود. شناخت سازوکار سازمان وکالت و ابعاد فعالیت‌های آن، کمک زیادی به فهم مسئله ولایت فقها و نقش ایشان در عصر غیبت کبری دارد. مدیریت عالی سازمان وکالت نسبت به حمایت و پشتیبانی از وکلا در همه مراتب آن سازمان اعتقاد قلبی داشت. تقویت و اعتباربخشی سازمان وکالت از سوی آن حضرت به نوعی زمینه‌ساز حاکمیت فقها و علمای امامیه بود. امام از طریق توانمندسازی سازمان وکالت و ماموریت دادن به وکلا به‌وسیله وکیل الوکلاء به پرورش نخبگان در جامعه شیعی می‌پرداخت.

نتیجه وجود این نهاد متخصص و توانمند، حفظ، گسترش و جلوگیری از انحراف جامعه امامیه، ارتقای سطح علمی و توانمندسازی شیعیان در عرصه‌های متنوع و در مناطق مختلف بود و از ایجاد ضعف در مکتب و تشکیلات شیعه ممانعت می‌کرد.

۱. همان، ص ۳۰۷.

۲. همان، ص ۳۵۴.

## نتیجه

هدف بلندمدت توانمندسازی، بهبود مستمر در عملکرد کل نهاد و هدف کوتاه مدت آن به کارگیری توانایی‌های موجود در اعضای آن است. بیشترین حجم فعالیت‌های امام عسکری علیه السلام ناظر به توانمندسازی جامعه امامیه در شرایط خاص فساد سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه اسلامی برای ورود به عصر غیبت بود. توانمندسازی جامعه امامیه در عصر آن حضرت هم در عرصه فردی و هم سازمانی مورد توجه قرار داشت. اقتداربخشی به شیعیان با تقویت منابع قدرت نرم اندیشه‌ای از طریق آگاهی‌بخشی در مورد نظریه امامت الهی، غیبت و تبیین مفهوم ولایت و اجتهاد، تقویت احساس خودکارآمدی در شیعیان با مدیریت منابع انسانی و حمایت سیاسی، عقیدتی و مالی و مهارت‌افزایی شیعیان در مواجهه با چالش‌ها، تهدیدها و شبهات کلامی و تاکید بر راهبرد تقیه از جمله موارد توانمندسازی جامعه امامیه در عرصه فردی و شبکه‌سازی و توانمندسازی درون سازمانی مربوط به بُعد توانمندسازی جامعه امامیه در عرصه سازمانی است. در این میان سبک و نوع رهبری را می‌توان به‌عنوان یک عامل مهم در توانمندسازی در نظر گرفت. وظیفه رهبران سازمان فراهم ساختن تسهیلاتی جهت پیاده‌سازی روند توانمندسازی است. این استراتژی‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب تغییر نگرش و رفتار نیروی انسانی می‌شوند و زمینه را برای تربیت نیروی متخصص و توانمند مهیا می‌سازد. امام عسکری علیه السلام با آگاهی نسبت به ظرفیت بالقوه نیروی انسانی به‌عنوان مهم‌ترین منبعی که همواره چرخ سازمان‌ها به چرخ آن می‌چرخد، در محیطی مانند سامرا که در آن شیعیان کمی حضور داشتند، توانست این مجموعه را رهبری، برنامه‌های خود را اجرا و جامعه امامیه را برای ورود به عصر غیبت آماده کند. بر این اساس بررسی سیره آن حضرت می‌تواند راهبردهایی دقیق و علمی در حوزه توانمندسازی جامعه امامیه را در اختیار پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی قرار دهد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن بن علی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
۲. آقاییار، سیروس، «توانمندسازی روشی نوین در محیط رقابتی»، *مجله تدبیر*، ش ۱۳۵، ۱۳۸۲.
۳. ابن اثیر، عزالدین، *الکامل*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *الامامة و التبصرة*، قم، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، *التوحید*، تحقیق سیدهاشم حسینی طهرانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸.

۶. ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵.
۸. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، *الثناقب فی المناقب*، قم، انصاریان، ۱۴۱۹.
۹. ابن حنبل، احمد، *متن اصول السنه*، بروایه عبدوس بن مالک، المعتمد من معهد میراث نبوی، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۳۶ ق.
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
۱۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۶.
۱۳. ابوغالب زراری، احمد بن محمد، *رسالة ابی غالب زراری الی ابن ابنه فی ذکر آل امین*، تصحیح محمد رضا حسینی، قم، مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیه، ۱۳۶۹.
۱۴. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الائمه*، ج ۶، قم، دارالحديث، ۱۳۸۹.
۱۵. اربلی، علی بن عیسی، *کشف النعمة فی معرفة الائمة*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۱۶. اسکات، سینیتا و ژافه، دنیس، *تواناسازی کارکنان*، ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی، کرج، انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، ۱۳۷۵.
۱۷. اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبیین*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۱۸. پاکتچی، احمد، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۰، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۹. جباری، محمدرضا، *سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام*، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۲.
۲۰. جعفرزاده، رحیم، «الگوی انتقالی در ارزیابی اثر بخشی آموزش کارکنان»، *ماهنامه مدیریت تدبیر*، ش ۸۶، ۱۳۸۶.
۲۱. جعفری قوشچی، بهزاد، «راه‌های تواناسازی کارکنان»، *ماهنامه مدیریت تدبیر*، ش ۱۱۹، دی ۱۳۸۰.
۲۲. حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۵.
۲۳. حسن بن علی، امام یازدهم، *التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری*، قم، مدرسه الامام المهدي (ع)، ۱۴۰۹ ق.

۲۴. حسینی، سید عبدالله، **تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴.
۲۵. حسینی، سید محمد رضا، **تدوین السنه**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲۶. الخمیس، محمد بن عبدالرحمن، **اعتقاد اهل السنه شرح اصحاب حدیث**، عربستان، وزاره الشؤون الاسلامیه، چ اول، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. دیوید ای / تن و کیم / اس. کمرون، **تواناسازی و تفویض اختیار**، ترجمه دکتر بدرالدین اورعی یزدانی، تهران، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، ۱۳۸۳.
۲۸. صفری، نعمت الله، **نقش تقیه در استنباط**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۲۹. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
۳۰. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط الثانية، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۳۱. طبسی، محمد جواد، **حیة الامام العسکری**، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، **الغیبة**، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، **رجال الطوسی**، مصحح جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین بقم المقدسه، ۱۳۷۳.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، **فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول**، تصحیح عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰.
۳۵. عبد الهی، بیژن و نوباوه، عبدالرحیم، **توانمندسازی کارکنان کلید طلایی مدیریت منابع انسانی**، تهران، ویرایش، ۱۳۸۵.
۳۶. الفاخوری، حنا؛ الجر، خلیل، **تاریخ فلسفه در جهان اسلامی**، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۳۷. فرهنگی، علی اکبر و اسکندری، مجتبی، «معرفی توانمندسازی در مدیریت و الگوهای آن»، **فصلنامه مطالعات مدیریت**، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۱۲۱ - ۹۹، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲.
۳۸. قطب الدین راوندی، سعید، **الخرائج و الجرائح**، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق.
۳۹. کشی، محمد بن عمر، **رجال الکشی (اختیار معرفه الرجال)**، تصحیح مهدی رجایی، قم، مؤسسه اهل البیت، ۱۳۶۳.

۴۰. کشی، محمد بن عمر، **رجال الکشی**، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. گرجی، ابوالقاسم، **تاریخ فقه و فقها**، تهران، سمت، ۱۳۹۲.
۴۳. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم، **فرهنگ جامعه سخنان امام حسن عسکری (ع)**، قم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹.
۴۴. مامقانی، عبدالله، **تنقیح المقال فی علم الرجال**، نجف، المطبعة المرتضویة، بی تا.
۴۵. محمدی، محمد، «توانمندسازی کارکنان: رویکردها و فرایندها»، **فصلنامه مطالعات مدیریت**، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۲۰۴-۱۷۵، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱.
۴۶. مسعودی، علی بن الحسین، **مروج الذهب**، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۴۷. مفید، محمد، **الارشاد**، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۴۸. نادری، ناهید؛ رجایی پور و سعید؛ جمشیدیان، عبدالرسول، «مفاهیم و راهبردهای توانمندسازی کارکنان»، **ماهنامه مدیریت تدبیر**، ش ۱۸۶، ۱۳۸۶.
۴۹. نجاشی، احمد بن علی، **رجال النجاشی**، قم، النشر الاسلامی، ۱۳۶۵.
۵۰. نجمی، محمدصادق، **سیری در صحیحین**، خوی، بی تا، ۱۳۶۱.
۵۱. ولوی، علی محمد، **تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی**، تهران، بعثت، ۱۳۶۷.
۵۲. یعقوبی، ابن واضح، **تاریخ یعقوبی**، بیروت، دارصادر، بی تا.
53. Kane, Christine, 2006, *Management role in shaping organizational culture*, from: <http://www.blackwell-synergy.com/doi/abs/10.1111/y.1365-2934.2006.00596.x>
54. Gerbich, c, *Qualitative data analysis: An Introduction*, London: Sage Publications, 2007.
55. Peterson, N. A. and Zimmerman, M.A, "Beyond the individual: Toward a nomological network of organizational empowerment", *American Journal of Community Psychology*, 2004, Vol. 34(1/2), P. 129-145.
56. Honald Linda, "Areview of literature of employee empowerment", *Empowerment in Organization*, 1997, Vol. 5, No. 4.
57. Block, P, *The Empowered Manager: Positive Polotical Skills at Work*, San Francisco: Jossey-Bass, 1987.